

مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی (علیه السلام) با عمرو بن عبدود در منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری فریقین تا پایان قرن هفتم

علی احمدی*

کاووس روحی**

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۵]

چکیده

مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو در جنگ احزاب، از برهه‌های مهم این جنگ سرنوشت‌ساز و از دلایل شکست مشرکان بود. عالمان به این واقعه توجه داشته و هر کدام با توجه به رویکرد مذهبی خود، به نقل آن پرداخته‌اند. در این مقاله این مبارزه را در منابع سنی و شیعه بررسی کرده، پس از تطبیق مستندات روایی - تاریخی این منابع، به این نتیجه رسیدیم که نوع نگاه عالمان سنی و شیعه، در انعکاس اصل این جریان و جزئیات و خصوصیات آن، متفاوت است. عالمان شیعه، این واقعه را به تفصیل بیان کرده‌اند، اما در میان عالمان اهل سنتی که در این مقاله بررسی شدند، واقده بیشترین جزئیات و طبری و این‌اثیر کمترین جزئیات را بیان کرده‌اند. گروهی نیز اصل این جریان را نقل نکرده و گروهی دیگر آن را انکار کرده‌اند. بنابراین، چهار نوع دیدگاه کلی در میان عالمان اهل سنت درباره این رویداد مهم تاریخی، به دست می‌آید: ۱. بیان واقعه به همراه جزئیات؛ ۲. بیان مختصر واقعه؛ ۳. بیان نکردن اصل آن؛ ۴. انکار اصل واقعه.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، عمرو بن عبدود، جنگ احزاب (خندق)، غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

* دانش‌آموخته سطح سه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام (نویسنده مسئول).

aliahmady1355@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس. k.roohi@modares.ac.ir

مقدمه

مورخان، محدثان و مفسران شیعه و سنی مبارزه امام علی علیه السلام (م ۴۰ ق.) با عمرو بن عبدود (م ۵ ق.)^۱ در جنگ خندق را در منابع مختلف تحلیل و بررسی کرده‌اند. مطالعه آرای آنان، به شناخت رویکردهای گوناگون به اصل و جزئیات این واقعه کمک خواهد کرد. در این مقاله، مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو را در منابع فریقین تا پایان قرن هفتم، به ترتیب زمان تألیف بررسی کرده‌ایم. بنابراین محدوده پژوهش، منابعی است که تا پایان قرن هفتم هجری نگاشته شده است؛ زیرا منابع پس از قرن هفتم درباره این پژوهش، بیشتر تکرار منابع قبلی است و مطلب جدیدی را بازگو نکرده است. همچنین برای داشتن تحقیقی جامع، منابع گزینش شده، با سه رویکرد تاریخی، حدیثی و تفسیری انتخاب شده است.

برای شناخت بیشتر دیدگاه فریقین درباره این واقعه مهم تاریخی باید به این پرسش پاسخ داده شود که مورخان، محدثان و مفسران سنی و شیعه، اصل این جریان و جزئیات آن را چگونه گزارش کرده‌اند و چه تفاوتی بین دیدگاه‌های آنها وجود دارد. این پژوهش، با روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و روش تحلیل محتوایی کمی و کیفی (توصیفی - تطبیقی)، به بررسی دیدگاه‌های مورخان، محدثان و مفسران اهل سنت و شیعه پرداخته است. در این راستا، در بخش «بررسی گزارش‌های مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو»، با توجه به تاریخی بودن موضوع، ابتدا آثار تاریخی، سپس حدیثی و پس از آن تفسیری سنی و شیعه به ترتیب زمانی، بررسی شده است. این مقاله درصدد بررسی صحت و سقم داده‌های گزارش شده نیست؛ بلکه درصدد مقایسه گزارش‌های بیان شده در منابع است. بنابراین میزان صحت و سقم داده‌ها بررسی نشده و تنها در برخی موارد، به‌طور اجمالی بررسی شده است.

پیشینه این بحث عبارت است از مقاله‌ای کوتاه با عنوان «مأخذ خدو انداختن خصم بر روی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیت: او خدو انداخت بر روی علی، افتخار هر نبی و هر ولی» نوشته محمود مهدوی دامغانی، که در فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، شماره ۱ و ۲ چاپ شده و مؤلف به مصدرشناسی بخشی از این واقعه در مثنوی معنوی پرداخته است. نیز محمدحسن فؤادیان مقاله‌ای دیگر با عنوان «از علی

آموز اخلاص عمل (مناقب علوی در مثنوی مولوی)» نوشته است که در فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۸ و ۱۶۹ منتشر شده و به بررسی بازتاب مبارزه امام علی علیه السلام و عمرو در مثنوی معنوی پرداخته است. نیز بخشی از مقاله «نقش حضرت علی علیه السلام در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان»، نوشته سید قاسم موسوی، چاپ شده در سخن تاریخ، شماره ۶، در این باره است. هیچ کدام از این مقالات، به بیان و بررسی کامل این گزارش در منابع دست اول نپرداخته است. علاوه بر این مقالات، در برخی از کتاب‌هایی که درباره سیره نبوی یا سیره امام علی علیه السلام نوشته شده، این مبارزه نیز بیان و تحلیل شده است که از جمله می‌توان به *الصحيح من سيرة النبي صلی الله علیه و آله* تألیف جعفر مرتضی عاملی اشاره کرد. با وجود این تاکنون به‌طور مستقل، مدون، منظم و تطبیقی هیچ اثری به مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در منابع فریقین نپرداخته است. بنابراین شایسته است تا مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو از دیدگاه فریقین به‌طور مستقل بررسی شود.

جنگ خندق

جنگ خندق (احزاب) یکی از غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله در سال پنجم هجری بود و پس از آن اتفاق افتاد که قریش برای از بین بردن اسلام با یهودیان و دیگر قبایل مشرک همدست و با لشکری انبوه، آماده نبرد با مسلمانان شد. هنگامی که خبر این تصمیم به مسلمانان رسید، قبل از آنکه به مدینه برسند، به پیشنهاد سلمان فارسی (م ۳۶ ق.) در اطراف مدینه خندقی کنده شد؛ بنابراین مشرکان نتوانستند از آن عبور کنند و پشت آن اردو زدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۱/۲). مشرکان ده هزار نفر بودند (همان، ۶۶) که چهار هزار نفر از آنان، به همراه سیصد اسب و هزاروپانصد شتر، از قریش و هم‌پیمانان آنها بودند (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۴۳/۲). در بعضی منابع تعداد آنان بیست و چهار هزار نفر ذکر شده است؛ این در حالی است که مسلمانان، سه هزار نفر بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۶/۲). محاصره مدینه پانزده روز طول کشید (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۴۰/۲). در این مدت که به محاصره و تیراندازی گذشت، جز مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو، جنگی روی نداد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۲/۲). در این غزوه، شش مسلمان شهید و هفت مشرک کشته شدند (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۹۵/۲). آیه ۲۱۴ سوره بقره،

آیات ۵۵-۵۱ سوره نساء و آیات ۲۵-۹ سوره احزاب درباره جنگ خندق نازل شده است (همان، ۴۹۴-۴۹۵).

جزئیات واقعه مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود

۱. منابع تاریخی اهل سنت

مسلمانان در محاصره قریش بودند و مشرکان که گرفتار سردی هوا و کمبود آذوقه بودند، تصمیم گرفتند به سرکردگی ابوسفیان (م ۳۰ ق.) از خندق عبور کنند. آنان جای کم‌عرضی یافتند، سپس عکرمه بن ابی جهل (م ۱۵ ق.)، نوفل بن عبدالله (م ۵ ق.)، عمرو بن عبدود و تعدادی دیگر توانستند از خندق عبور کنند و ابوسفیان و دیگران، آن طرف ماندند تا ببینند آنها چه می‌کنند (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۷۰/۲، ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۲۴/۲). برای جلوگیری از عبور بیشتر آنان، امام علی علیه السلام به همراه عده‌ای، جلوی محل عبور را گرفتند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۲۴/۲). عمرو در حالی که برانگیخته شده بود و در پی خونخواهی^۲ بود، رجز می‌خواند که: «از بس فریاد [هل من مبارز] زدم، صدایم خشن شد و کسی پاسخ نداد؛ امام علی علیه السلام برخاست و اعلام آمادگی کرد. این اتفاق تا سه بار تکرار شد و کسی جز ایشان، اعلام آمادگی نکرد. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر خود را به علی علیه السلام داد و با دست خود عمامه بر سرش پیچید و فرمود: «خداوندا او را یاری کن!». ^۳ سپس ایشان در حالی که پیاده و عمرو سواره بود، به او گفت: «تو در جاهلیت می‌گفتی هرکس سه حاجت از من بخواهد، حتما یکی را اجابت می‌کنم». پس از تأیید عمرو، علی علیه السلام او را به ایمان به خدای یکتا و رسالت رسول‌الله صلی الله علیه و آله دعوت کرد، ولی او قبول نکرد. خواسته دوم علی علیه السلام آن بود که برگردد، ولی عمرو بر مبارزه اصرار کرد. سومین درخواست حضرت جنگ بود. عمرو خندید و گفت: «فکر نمی‌کردم هیچ عربی مرا در جنگیدن، به بخل متهم کند» و از حضرت خواست برگردد. همچنین با بیان اینکه «خوش ندارم تو تازه‌جوان را بکشم، پدرت همنشین من بود»، بر اراده خود برای جنگیدن با دو سالخورده قریش، یعنی ابوبکر و عمر، تأکید کرد؛ اما امام علی علیه السلام با بیان «دوست دارم تو را بکشم»، او را بار دیگر به مبارزه دعوت کرد. عمرو اندوهگین، از اسب فرود آمد و آن را پی کرد.

جابر می گوید: «آن دو به یکدیگر نزدیک شدند، غباری برخاست که آن دو را نمی دیدیم، پس از آن، تکبیر شنیدیم و دانستیم که علی علیه السلام او را کشته است (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۷۰/۲-۴۷۱). در گزارش ابن هشام که مختصرتر از واقعی است، به رجز خواندن عمرو، ترسیدن مسلمانان، اعطای شمشیر و عمامه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق وی، تازه جوان بودن ایشان و تمایل عمرو برای مبارزه با خلیفه اول و دوم اشاره ای نشده است (ابن هشام، بی تا: ۲۲۵/۲). همچنین شعری منسوب به امام علی علیه السلام را از ابن اسحاق نقل می کند که بیان فضیلت، شجاعت، جوانمردی و یاری ایشان از دین خدا و رسول خداست؛ ولی در پایان با این بیان که «اکثر اهل علم شک دارند این اشعار برای علی علیه السلام باشد»، در انتساب اشعار به ایشان تشکیک می کند (ابن هشام، بی تا: ۲۲۵/۲)؛ ولی ابن کثیر آن را نقل می کند، بدون آنکه رد کند (ابن کثیر، بی تا: ۱۰۵/۴). گزارش ابن سعد نیز همچون ابن هشام، مختصر است، اما برخلاف وی به رجزخوانی عمرو و دریافت شمشیر و عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق امام تصریح می کند، ولی گفت و گوی بین امام و عمرو را گزارش نمی کند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۲/۲). گزارش طبری و ذهبی هم شبیه ابن هشام است (طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۴/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۹۰/۲).

پس از کشته شدن عمرو، همراهانش فرار کردند اما نوفل بن عبدالله کشته شد. درباره اینکه چگونه و چه کسی او را کشت، سه نظریه وجود دارد: در برگشت، اسب وی در خندق افتاد و مسلمانان آن قدر سنگ به او زدند تا کشته شد (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۷۱/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۴۵/۱)؛ پس از سقوط در خندق و سنگ باران او توسط مسلمانان، وی از آنان خواست بهتر از این او را بکشند، پس امام علی علیه السلام به خندق رفت و او را کشت (طبری، ۱۳۸۷: ۵۷۴/۲؛ زبیر (م ۳۶ ق.) بر نوفل حمله و با یک ضربه او را دو نیم کرد (واقعی، ۱۴۰۹: ۴۷۲/۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۵۲/۲). ابن کثیر گزارش طبری را غریب می داند و قول سوم را از ابن اسحاق نقل می کند (ابن کثیر، بی تا: ۱۰۷/۴). بنابراین دیدگاه ابن سعد و ابن کثیر یکی است. برخی با بیان اینکه: «نوفل می خواست از خندق عبور کند، اما سقوط کرد؛ پس خدا او را کشت» (ذهبی، ۱۴۰۷: ۳۰۵/۲)، از گفتن نام قاتل نوفل خودداری می کند؛ گویا اطمینان نداشته است زبیر او را کشته باشد و از طرفی با توجه به تعصب

مذهبی‌اش، احتمالاً نمی‌خواست نامی از امام علی علیه السلام ببرد. همچنین ابن‌اثیر، بدون آنکه نام نوفل را ببرد، از دو مردی یاد می‌کند که همراه عمرو بودند و یکی از آنان را امام علی علیه السلام کشته است (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۷۲/۲).

امام علی علیه السلام به جز نوفل، حسل پسر عمرو را نیز به قتل رساند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۵۳/۲؛ ابن‌کثیر، بی‌تا: ۱۱۶/۴). در دیگر منابع تاریخی، نه اطلاعاتی درباره او هست و نه به کشته شدنش به دست ایشان اشاره شده است. نام او جزء ردشدگان از خندق هم نیست. این گزارش را تنها ابن‌هشام، آن هم از فردی ثقه که نام نمی‌برد و او از ابن‌شهاب زهری نقل کرده است (همان).

۲. منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت

عمرو هم‌اورد خواست. امام علی علیه السلام غرق در آهن و فولاد، از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست؛ ولی ایشان فرمود: «او عمرو است. بنشین!». دوباره هم‌اورد خواست و آنان را سرزنش کرد که «کجاست آن بهشتی که می‌پندارید کشتگان شما به آن وارد می‌شوند؟ آیا مردی نیست با من پیکار کند؟» امام دوباره اعلام آمادگی کرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم اجازه نداد. بار سوم ندا داد و دوباره امام علی علیه السلام برخاست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او عمرو است» و این بار در جواب فرمود: «حتی اگر عمرو باشد». پس از اجازه ایشان، به سوی او رفت و به درخواست وی، خودش را معرفی کرد. عمرو از ایشان خواست تا یکی از عموهایش به میدان بیاید که از او بزرگ‌تر باشد؛ چراکه خوش نداشت خون او را بریزد. اما امام علی علیه السلام از تصمیم خود بر کشتن او خبر داد. عمرو خشمگینانه حمله‌ور شد و ایشان هم با سپر از خودش دفاع کرد. ضربه عمرو، سپر را درید، شمشیر در آن فرو رفت و به سر ایشان رسید و آن را زخمی کرد. ایشان هم ضربه‌ای به رگ گردن او زد که افتاد و گرد و غبار برخاست. پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن صدای تکبیر، دانست که عمرو، کشته شده است (بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۳۲/۹).

گزارش حسکانی به نقل از حدیفه (م ۳۶ ق.)، با دیگران بسیار متفاوت است. از بیان مشترکات صرف نظر و تنها به بیان تفاوت‌ها بسنده می‌شود:

هنگامی که عمرو مبارز طلبید، پیامبر ﷺ از یارانش خواست تا صدای عمرو را خاموش کنند؛ اما هیچ کدام غیر از علی علیه السلام، اعلام آمادگی نکردند. بار دوم هم همین گونه بود. بار سوم نه تنها اعلام آمادگی نکردند، بلکه برخی خود را پنهان کردند. هنگامی که امام علی علیه السلام خواست به میدان برود، پیامبر ﷺ زره خود را بر تنش پوشاند، عمامه خودش را بر سرش پیچید و ذوالفقار را به او سپرد. امام علی علیه السلام پیاده بود، پس از عمرو خواست او هم از اسب پیاده شود. عمرو از اسب پیاده شد و اسب را روانه لشکرش کرد. ابتدا عمرو ضربه زد. ضربه اش به قدری محکم بود که پس از دریده شدن سپر، سر را شکافت و خط شمشیرش، بر روی پیشانی ایشان ماند. در همان حال امام علی علیه السلام در حمله غافلگیرکننده‌ای، دو پای او را قطع کرد. امام علی علیه السلام فرمود: من نترسیدم و با دعای: «خدا یا! به وسیله تو به هدف می‌رسم، حرکت می‌کنم و از کشته شدن جلوگیری می‌کنم»^۴ که پیامبر ﷺ به من یاد داده بود، به سوی او رفتم. عمر اولین کسی بود که خود را به امام علی علیه السلام رساند و دید علی علیه السلام شمشیر خود را با سپر عمرو، تمیز می‌کند؛ لذا پس از تکبیر، رسول خدا ﷺ را از کشته شدن عمرو، آسوده خاطر کرد (حاکم حسکانی، ۱۴۳۱: ۸/۲-۵).

در برخی دیگر از منابع نیز به این رویداد اشاره شده است. بنابر روایتی، امام علی علیه السلام پس از مبارز طلبیدن عمرو و اجابت نکردن دیگران، به پیامبر ﷺ فرمود: «فدایت شوم ای پیامبر خدا! آیا به من اجازه می‌دهید؟»^۵ (عسکری، ۱۴۰۸: ۱۳۵/۱) عسکری امام علی علیه السلام را اولین شخصی می‌داند که این جمله را به پیامبر ﷺ فرمود. پس از آنکه خواهر عمرو، خبر کشته شدن وی را شنید، اشعاری با این مضمون سرود که «اگر قاتل عمرو غیر از این بود، تا ابد بر او می‌گریستم، اما قاتل عمرو از قدیم، بزرگ شهر خوانده می‌شده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۳۵).

در قسمت بررسی منابع تاریخی اهل سنت گفتیم درباره اینکه نوفل بن عبدالله را چه کسی کشت، سه نظریه وجود دارد: مسلمانان، امام علی علیه السلام و زبیر. بیهقی ابتدا قول سوم را از ابن اسحاق نقل می‌کند، اما بلافاصله به نقل از ابن اسحاق، گزارش می‌کند که علی علیه السلام با ضربه‌ای که به ترقوه او زد، او را در خندق کشت (بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۰۴/۳).

پیامبر ﷺ در ابتدا، هنگام و پس از این مبارزه، با دعاها و سخنانی، ارزش و اهمیت کار امام علی علیه السلام را بیان کرده‌اند که بیانگر علاقه پیامبر ﷺ به ایشان و کار ارزشمند ایشان، در آن روز است؛ هرچند در منابع اهل سنت، بازتاب کم‌رنگی داشته است. در هنگامه نبرد، پیامبر ﷺ دست و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و این دعا را می‌خواند: «خدایا! در روز بدر عبیده بن حرث (۲ ق.) و در روز احد حمزه بن عبدالمطلب (۳ ق.) را از من گرفتی؛ این برادرم علی بن ابی طالب است؛ پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارث‌ها هستی»^۶ (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۴: ۶۱/۱۹).

بنابر روایت مرفوع دیگری، هنگامی که امام علی علیه السلام به میدان رفت، پیامبر ﷺ فرمود: «همه ایمان در برابر همه کفر قرار گرفت»^۷ (همان). بنابر روایتی دیگر، پیامبر ﷺ فرمود: «مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدود در روز خندق، از اعمال امتم تا روز قیامت بالاتر است»^۸ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۴/۳). دیگران نیز این روایت را با همین مضمون ولی با اندکی اختلاف در الفاظ، نقل می‌کنند (حاکم حسکانی، ۱۴۳۱: ۹/۲؛ خطیب بغدادی، بی تا: ۱۸/۱۳). همچنین ایجی (م ۷۵۶ ق.) و تفتازانی (م ۷۹۱ ق.)، ضمن اعتراف به شجاعت حضرت علی علیه السلام در رویارویی با قهرمانان عرب در جنگ‌ها و کشتن بزرگان مشرکان، به نقل از رسول خدا ﷺ می‌نویسند: «ضربه علی از عبادت جن و انس بهتر است»^۹ (ایجی، ۱۴۱۷: ۶۲۸/۳؛ تفتازانی، ۱۴۰۱: ۳۰۱/۲). همچنین بنابر روایتی، رسول الله ﷺ در روز کشته شدن عمرو، فرمود: «همینه آنها [مشرکان] رفت و از این به بعد آنان با ما نخواهند جنگید بلکه - به اذن خدا - ما با آنها خواهیم جنگید»^{۱۰} (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۹). بخاری در دو روایت، شبیه همین را نقل می‌کند؛ بنابر روایت اول، پیامبر ﷺ در روز احزاب گفت: «ما با آنان خواهیم جنگید و آنان با ما نخواهند جنگید»^{۱۱} (بخاری، ۱۴۱۹: ح ۳۸۸۳) و در روایت بعدی، هنگامی که احزاب از محاصره دست کشیدند و رفتند، فرمود: «ما با آنان خواهیم جنگید و آنان با ما نخواهند جنگید و ما آنها را تعقیب خواهیم کرد»^{۱۲} (همان، ح ۳۸۸۴). بنابراین با توجه به اینکه هر دو روایت از سلیمان بن صرد نقل شده و روایت دوم، تبیین روایت اول است، بنابر دیدگاه بخاری، این روایت در پایان جنگ احزاب صادر شده است نه در روز مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو. درباره سرنوشت غنایم عمرو در گزارشی آمده است که امام علی علیه السلام به زره

گران قیمت عمرو، توجهی نکرد و پس از بازگشت از نبرد و در جواب عمر بن خطاب (م ۲۳ ق.) که «چرا زرهش را برنداشتی؛ عرب زرهی بهتر از آن ندارد»، فرمود: «او را زدم؛ پس با آن، عورتش را حفظ کرد؛ بنابراین از پسر عموم خجالت کشیدم که وی را [با گرفتن زرهش] بی پوشش کنم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۴/۳). بنابراین همین گزارش، شبهه برخی خوارج مبنی بر مشارکت محمد بن مسلمه در قتل عمرو رد می شود (همان، ۳۶/۳). ابن ابی الحدید پس از ذکر این جریان، بین امام علی علیه السلام و سعد بن ابی وقاص مقایسه می کند که سعد در جنگ احد، به دلیل از دست دادن زره دشمن اندوهگین شد، اما امام چشم پوشی کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴: ۲۳۷/۱۴).

در اینکه آیا قتل عمرو یکی از دلایل شکست احزاب بود یا خیر، بین منابع اختلاف است. عده ای بر این نکته، تصریح می کنند که قتل عمرو باعث شکست احزاب شد. ابن عباس معتقد بود تفسیر آیه «خداوند مؤمنان را از قتال و جنگ، بی نیاز کرد»^{۱۳} (احزاب: ۲۵)، آن است که «خداوند مؤمنان را با کشته شدن عمرو به دست امام علی علیه السلام، از قتال و جنگ بی نیاز کرد» (حاکم حسکانی، ۱۴۳۱: ۵/۲). ابن مسعود نیز بدون آنکه از جنگ خندق نام ببرد، آیه «خداوند مؤمنان را به وسیله امام علی علیه السلام، از قتال و جنگ، بی نیاز کرد»^{۱۴} را می خواند (همان، ۴).

۳. منابع تاریخی شیعه

در منابع شیعه نیز مانند منابع اهل سنت به مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو تصریح شده است؛ با این تفاوت که پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام و همراهان فرمود: «اگر کسی با شما جنگید، او را بکشید». سپس ایشان تنگه را از مشرکان گرفت و به نگهبانان مسلمان سپرد (ابن حیون، ۱۴۰۹: ۲۹۴/۱). این گزارش کامل تر است، زیرا بلافاصله عمرو مبارز طلبید و امام اعلام آمادگی کرد؛ پس معلوم می شود تنگه را به همراهان سپرده و خود برگشته است.

شیخ مفید گزارش مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو را از واقدی نقل می کند؛ گزارش واقدی را در سطور پیشین روایت کردیم، بنابراین در اینجا تنها به بیان تفاوت های روایت وی با روایت المغازی واقدی، بسنده می کنیم؛ فقط امام علی علیه السلام اعلام آمادگی می کرد و

پیامبر ﷺ به انتظار دیگری، به او اجازه نمی‌داد. عمرو در جواب اعلام آمادگی امام علی علیه السلام برای مبارزه گفت: «من خوش ندارم مرد بزرگواری چون تو را بکشم، در حالی که پدرت مونس من بود». جابر ماجرای کشته شدن عمرو به دست امام علی علیه السلام را مانند داستان داوود و جالوت می‌داند: «پس به خواست خدا شکستشان دادند و داود جالوت را کشت»^{۱۵} (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۲/۱). همچنین شیخ مفید به اشعار خواهر عمرو که به بزرگی مقام امام علی علیه السلام اشاره دارد، تصریح می‌کند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۱).

امام علی علیه السلام در کشتن عمرو تعلل کرد. عده‌ای بر ایشان خرده گرفتند و حذیفه دفاع کرد. پیامبر ﷺ از حذیفه خواست سکوت کند تا هنگامی که امام علی علیه السلام برگردد و توضیح دهد. پس از آنکه امام علی علیه السلام نزد پیامبر ﷺ آمد، دلیل آن را پرسید، حضرت فرمود: «به مادرم دشنام داد و به صورتم آب دهان انداخت. پس ترسیدم مبادا با انگیزه نفسانی او را بکشم؛ بنابراین او را رها کردم تا خشمم فرو نشست. سپس به خاطر خدا او را کشتم» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱۵/۲).

درباره سرنوشت همراهان عمرو، در منابع شیعه نیز اختلافی که در منابع سنی گذشت، به چشم می‌خورد. بنابر نقل یعقوبی و مفید، «امام علی علیه السلام کشته نوفل است» (یعقوبی، ۱۴۱۴: ۱۲۳/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۳/۱). ولی بنابر نقل طبرسی، «پس از آنکه نوفل مبارز طلبید، زبیر به خندق رفت و او را کشت». اما ابن اسحاق نقل می‌کند که امام علی علیه السلام با ضربتی که به ترقوه‌اش زد، او را کشت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۵/۸).

درباره اینکه کشته شدن عمرو پایان جنگ خندق بود، اقوال اهل سنت را نقل کردیم که اصرار دارند بر اینکه پایان جنگ نبود؛ اما در مقابل، بنابر روایتی از جابر که در منابع شیعه آمده است، کشته شدن عمرو به دست امام علی علیه السلام، مانند کشته شدن جالوت به دست داوود دانسته شده است که بنابر سخن خداوند، منجر به هزیمت دشمنان آنان شد: «پس به اذن خدا گریختند و داود، جالوت را کشت»^{۱۶} (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۲/۱). همچنین بنابر گزارشی، پس از کشته شدن عمرو، تفرقه بین مشرکان افتاد و آنان خائف و مرعوب شدند (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۹۹/۱). نیز در جنگ بنی قریظه که بلافاصله پس از خندق اتفاق افتاد، هنگامی که امام علی علیه السلام به دیوارهای قلعه بنی قریظه رسید و شنید که یهودیان از بالای قلعه به همدیگر می‌گویند قاتل عمرو آمد، فرمود: «خدا را سپاس که

اسلام را ظاهر و شرک را نابود کرد»^{۱۷} (مفید، ۱۴۱۳: ۱۱۰/۱) که این روایت بیانگر نقش ایشان در شکست احزاب است.

۴. منابع حدیثی و تفسیری شیعه

پیامبر ﷺ یارانش را در حال آماده‌باش قرار داد و همه پشت سر پیامبر ﷺ موضع گرفتند. فردی از سپاه اسلام با بیان اینکه «این شیطان [عمرو] هیچ‌کدام از ما را زنده نمی‌گذارد»، پیشنهاد کرد پیامبر ﷺ را در اختیارش بگذارند تا او را بکشد و آنان هم به قومشان ملحق شوند که با نزول آیات ۱۸ و ۱۹ سوره احزاب، پیامبر ﷺ به این توطئه آگاه شد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۸۳/۲). در حالی که سلیم بن قیس، گوینده این سخن را خلیفه دوم دانسته (هلالی، ۱۴۰۵: ۷۰۱/۲)، قمی وی را عبدالرحمن بن عوف معرفی می‌کند (قمی، ۱۳۶۳: ۱۸۸/۲).

بنابر گزارش سلیم، عمرو در روز جنگ خندق، خلیفه دوم را با نامش صدا زد، اما او رو برگرداند و به یارانش پناه برد؛ به‌گونه‌ای که پیامبر ﷺ از ترسی که بر او عارض شد، تبسم کرد و از امام علی رضی الله عنه خواست به نبرد او برود (هلالی، ۱۴۰۵: ۷۰۰/۲). قمی هم اضافاتی را نقل می‌کند از جمله آنکه خون‌های زخم سر ایشان از شمشیرش می‌چکید و در حالی که سر عمرو در دستش بود، می‌گفت: «من علی پسر عبدالمطلب‌ام، مرگ برای جوانمرد بهتر از فرار است»^{۱۸} (قمی، ۱۳۶۳: ۱۸۴/۲-۱۸۵). گزارش کراچکی هم اضافه‌هایی دارد از جمله:

پیامبر ﷺ به یارانش فرمود: «چه کسی از شما به جنگ او می‌رود تا بهشت را از سوی خدا برایش تضمین کنم؟». احدی از آنان به سبب ترس از هیبت و عظمت عمرو پاسخ نداد؛ ولی علی رضی الله عنه سه مرتبه بلند شد. امام علی رضی الله عنه در حالی که سر عمرو را به دست داشت، با حالت فخر به سمت رسول‌الله ﷺ می‌آمد. خلیفه دوم گفت: «یا رسول‌الله مگر نمی‌بینی که علی چه مغرور راه می‌رود؟» پیامبر ﷺ در جواب او فرمود: «خداوند این گام برداشتن را در این مقام دوست دارد»؛^{۱۹} سپس به سمت امیرالمؤمنین رضی الله عنه رفت، او را ملاقات کرد و غبار از چشمانش زدود؛ پس از قتل عمرو، در ندایی آسمانی، امام علی رضی الله عنه توصیف شد (کراچکی، ۱۴۱۰: ۲۹۸/۱).

بنابر روایتی دیگر که امام علی علیه السلام راوی آن است، با تأکید بر شجاعت عمرو و رجزخوانی او، نقل شده است:

احدی برای جنگ با او به پا نمی‌خاست و هیچ‌کس را طمع هم‌اوردی او نبود. پس از آنکه آماده نبرد شد، زنان مدینه از ترس عمرو و ترحم به من، گریان و نالان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافتند. خداوند او را به دست من کشت؛ در حالی که عرب جز وی سواری برای خود نمی‌شناخت (ابن‌حیون، ۱۴۰۹: ۲۸۱/۱).

طبرسی جزئیات بیشتری را مطرح کرده است:

به نقل از حدیفه، پیامبر صلی الله علیه و آله زره خود [ذات‌الفضول] را بر او پوشاند، شمشیرش [ذوالفقار] را به او داد و عمامه‌اش [سحاب] را نه دور، دور سرش پیچید. به نقل از ابن‌اسحاق، هنگامی که امام علی علیه السلام برای مبارزه به سوی عمرو می‌رفت، رجز می‌خواند که «عجله مکن! پاسخگوی فریادت مردی است که هرگز زبون نمی‌شود...». به نقل از حدیفه، امام علی علیه السلام پاهای عمرو را قطع کرد و او به پشت به زمین افتاد و اولین کسی که به سوی گرد و غبار دوید، خلیفه دوم بود که خبر کشته شدن عمرو را به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت. امام علی علیه السلام سر از بدن عمرو جدا کرد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد، در حالی که رویش از شکرانه این موفقیت چون ماه می‌درخشید. خلیفه اول و دوم برخاستند و سر ایشان را بوسیدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۸/۸).

هنگامی که امام علی علیه السلام، تکبیرگویان روی سینه عمرو نشست و خواست گردنش را بزند، عمرو از او خواست که لباسش را درنیاورد؛ علی علیه السلام گفت: زدن گردن برایم راحت‌تر است تا درآوردن زرهت؛ پس گردنش را زد (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۱).

سخنان و دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام مبارزه، در منابع شیعه نیز منعکس شده است. هنگامی که امام علی علیه السلام خواست به میدان برود، پیامبر صلی الله علیه و آله برای سلامتی او دعا فرمود: «خدایا او (علی علیه السلام) را از روبه‌رو، پشت سر، راست، چپ، بالاسر و از زیر پا حفظ کن»^{۲۰} (قمی، ۱۳۶۳: ۱۸۳/۲؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۳۴/۱۵). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا! در روز بدر عبیده و در روز احد حمزه را از من گرفتی و این برادرم علی بن‌ابی‌طالب

مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی (علیه السلام) با عمرو بن عبدود / ۹۳

است؛ پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو بهترین وارث‌ها هستی»^{۲۱} (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۱).
بنابر روایت بدون سند دیگر، هنگامی که امام علی علیه السلام به میدان رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«همه ایمان در برابر همه کفر قرار گرفته است»^{۲۲} (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۱؛ ابن طاووس،
۱۳۹۹: ۳۵). این روایت با همین مضمون ولی با الفاظ متفاوت نیز نقل شده است: «خرج
الإیمان سائره إلى الکفر سائره» (طبرسی، ۱۴۱۷: ۳۸۱/۱). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله پس از پایان
مبارزه فرمود: «بشارت بدهم ای علی! اگر عمل امروز تو را با عمل همه امت محمد
مقایسه کنند، عمل تو بر عمل آنان برتری دارد»^{۲۳} (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۹۸/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲:
۵۳۸/۸)؛ زیرا هیچ خانه‌ای از مشرکان نبود، مگر آنکه با کشته شدن عمرو، ذلت وارد آن
شد و هیچ خانه‌ای از مسلمانان نبود مگر آنکه با کشته شدن عمرو، عزت وارد آن شد
(همان). نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «ضربه علی، بهتر از عبادت جن و انس
است»^{۲۴} (ابن طاووس، ۱۳۹۹: ۶۰).

بررسی گزارش‌های جزئیات واقعه

پس از بیان گزارش‌های منابع فریقین تا قرن هفتم درباره مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو
بن عبدود، در ادامه جزئیات آن واقعه را بیشتر بررسی می‌کنیم.

۱. مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو

منابع اهل سنت عمرو را نود ساله دانسته‌اند. برخی معتقدند شاید زیاد نشان دادن سن
عمرو، برای کم‌رنگ کردن ارزش مبارزه امام علی علیه السلام با اوست؛ در حالی که گزارش
ترس مسلمانان از عمرو و تعریف پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام پس از این مبارزه، خلاف
این ادعا (زیاد بودن سن عمرو) است (عاملی، ۱۴۲۸: ۱۱۵/۱). این قول درخور تأمل است؛
زیرا اولاً هیچ کدام از منابع سنی و شیعه، سن عمرو را کمتر از نود سال ذکر نکرده‌اند؛
ثانیاً برخی منابع که سن او را نود سال ذکر کرده‌اند، ترس مسلمانان را نیز گزارش
کرده‌اند؛ بنابراین در گزارش سن عمرو، عمدی در کار نبوده و با وجود سن بالای او،
مبارزه با وی به قدری مهم بوده که کمتر کسی جرئت رویارویی با او را داشته است.

بنابر گزارش واقدی امام علی علیه السلام ۲۷ یا ۲۸ ساله بوده است. عمرو نیز ایشان را تازه‌جوان خطاب کرده و از او خواسته است که برگردد. ابن ابی‌الحدید از استادش نقل می‌کند که عمرو به علی علیه السلام فرمان بازگشت نداد تا علی علیه السلام زنده بماند، بلکه از حیله و ترسش بود؛ زیرا از کشته‌شدگان به دست او در بدر و احد خبر داشت و می‌دانست در نبرد با علی علیه السلام کشته خواهد شد، ولی شرم کرد سستی خود را بنمایاند؛ پس چنین وانمود کرد، حال آنکه دروغ می‌گفت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۴: ۶۴/۱۹). البته بر این تحلیل، قرینه‌ای ارائه نشده است.

ترس مسلمانان از مبارزه با عمرو که قمی آن را به تفصیل گزارش کرده بود، در منابع دیگر نیز نقل شده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۴۷۰/۲). هرچند برخی در صحت گزارش قمی که با تفصیل بیشتری آمده و نام صحابه‌ای که ترسیده‌اند ذکر شده است، تردید کرده‌اند (عاملی، ۱۴۲۸: ۱۱۸/۱۱) که شاید دلیل آن، منبع قمی است که چنان‌که گذشت، کتاب سلیم بن قیس بود. البته دیگر منابع سنی به جز حسکانی و ابن ابی‌الحدید از ذکر گزارش ترس صحابه از رویارویی با عمرو خودداری کرده‌اند.

پس از بررسی جزئیات مبارزه در منابع تاریخی اهل سنت، معلوم شد گزارش ابن سعد نه شبیه واقدی است و نه شبیه ابن‌هشام؛ زیرا اولاً همچون واقدی مفصل نیست، ثانیاً گفت‌وگوی امام و عمرو را نیاورده، اما رجزخوانی عمرو و دریافت شمشیر و عمامه را آورده است.

در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت نیز بیهقی به نقل از ابن‌اسحاق گزارش می‌دهد؛ اما گزارش ابن‌هشام که او هم از ابن‌اسحاق نقل کرده بود، با جزئیات بیشتری بیان شده است؛ هرچند همچون ابن‌هشام، به رجز خواندن عمرو، ترسیدن مسلمانان، اعطای شمشیر و عمامه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در حق ایشان اشاره‌ای نشده است. وی جزئیات تازه‌ای همچون زخمی شدن آن حضرت در هنگامه مبارزه را نقل کرده که در منابع دیگر نیز آمده است. بنابر نقلی، عمرو ضربه‌ای کاری فرود آورد که هرچند منجر به قتل حضرت نشد، اما بعدها ابن‌ملجم (م ۴۰ ق.) بر همان جایی که عمرو ضربه زده بود، ضربه‌ای دیگر زد و زهر کارگر افتاد (مقدسی، بی‌تا: ۳۲۷/۱). هرچند بلاذری با بیان اینکه «گفته شده علی علیه السلام از ناحیه سر زخمی شد و نیز گفته شده است،

هرگز زخمی نشد» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱/۳۴۵)، خواننده را درباره زخمی نشدن حضرت دچار تردید می‌کند؛ لکن منابع بیشتری به زخمی شدن حضرت تصریح یا اشاره کرده‌اند و با توجه به قوی بودن عمرو، بعید نیست که حضرت در مواجهه با او زخمی شده باشد. بنابراین در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت، نقلِ حسکانی در بیان جزئیات، قابل مقایسه با دیگران نیست؛ وی فضیلت‌های بیشتری برای امام علی علیه السلام نقل کرده و به ترسیدن صحابه از رویارویی با عمرو تصریح کرده است؛ هر چند ملحق شدن عمر به امام علی علیه السلام در زمانی که هنوز عمرو به دست ایشان کشته نشده بود، خلاف گزارش از ترس صحابه است.

گزارش اهانت عمرو به امام علی علیه السلام تنها در مناقب ابن شهرآشوب آمده و هیچ منبع دیگری اشاره‌ای نکرده است که گزارش را با ضعف مواجه می‌سازد. از طرفی مولوی (م ۶۷۲ ق.) همین جریان را به شعر درآورده است (مولوی، ۱۳۷۴: ۱۶۶). معلوم نیست آیا منبع مولوی، مناقب ابن شهرآشوب بوده است یا منبع دیگری از اهل سنت هم این واقعه را ذکر کرده و او از آن بهره برده است.

از مجموع گزارش‌ها این گونه به دست می‌آید که در بین منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل سنت، ابن ابی‌الحدید و حسکانی این جریان را به همراه جزئیات کامل بیان کرده‌اند. به گونه‌ای که حتی برخی از منابع شیعه همچون شیخ مفید، این گونه با جزئیات بیان نکرده‌اند. همچنین در بین مورخان اهل سنت، واقدی تنها کسی است که کامل‌تر از دیگر مورخان بیان کرده است؛ به گونه‌ای که مفید نیز گزارش واقدی را بازگو می‌کند. مورخان دست اول اهل سنت، جز واقدی، به انعکاسِ حداقلی این مبارزه بسنده کرده‌اند. در بین عالمان شیعه نیز ابن شهرآشوب و طبرسی، دو منبعی هستند که این جریان را به همراه جزئیات کامل بیان کرده‌اند که بخشی از آن بر اساس منابع پیشین است و برخی دیگر، به گونه مرسل نقل شده است؛ مانند بریدن سر عمرو به دست امام علی علیه السلام و آب دهان انداختن عمرو بر روی امام علی علیه السلام که به صورت مرسل نقل شده است.

۲. سخنان و دعاهای پیامبر ﷺ

گفته شد که بنابر برخی منابع، پیامبر ﷺ در هنگام مبارزه دعا کرد: «خدایا! او را یاری کن»؛ اما برخی این دعا را در حق محمد بن مسلمه دانسته‌اند، هنگامی که خواست در جنگ خیبر به مبارزه با مرحب برود (ابن‌هشام، بی‌تا: ۳۳۴/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۰/۳؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۲۱۵/۴). منابعی که این دعا را درباره امام علی ﷺ دانسته‌اند، روایت دوم را نقل نکرده‌اند و منابعی که این دعا را برای محمد بن مسلمه دانسته‌اند، آن را در روز خندق و در وصف امام علی ﷺ نقل نکرده‌اند. حدیث «مبارزه علی بن ابی‌طالب با عمرو بن عبدود در روز خندق، از اعمال امتم تا روز قیامت، بالاتر است»،^{۲۵} با واکنش تند ذهنی مواجه شده و ذیل این حدیث با عبارت «خدا رافضی را قبیح گرداند که افترا زده»^{۲۶} (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳۴/۳؛ ابن‌ملقن، ۱۴۱۱: ۱۱۱۵/۲) بر دروغ بودن آن کنایه زده است. ابن‌تیمیه نیز این روایت را دروغ می‌داند (ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۲/۵)؛ هرچند هیچ‌کدام، دلیلی ارائه نکرده‌اند. در مقابل، ابوالهذیل استاد ابن‌ابی‌الحدید در جواب سؤال شاگردش که «منزلت علی ﷺ نزد خدا بالاتر است یا ابوبکر؟» به خدا سوگند یاد کرد که «مبارزه علی ﷺ با عمرو در روز خندق، معادل تمام اعمال و طاعات مهاجران و انصار است، چه رسد به فلان شخص» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۹). ابن‌تیمیه (م ۷۲۸ ق.). حدیث «لضربة علی خیر من عبادة الثقلین» را رد می‌کند و ضمن آن، اصل واقعه را نیز زیر سؤال می‌برد. خلاصه سخنان او عبارت است از: ۱. این حدیث بی‌سند و دروغ است؛ ۲. این حادثه مثل برخی دیگر از وقایع خندق، دروغ است؛ ۳. کشته شدن عمرو، باعث هزیمت مشرکان نشد؛ بلکه آنان پس از وزش باد شدید و نزول ملائکه، از محاصره مدینه دست کشیدند؛ ۴. چگونه قتل کافری، افضل از عبادت جن و انس است، در حالی که بزرگان قریش همچون ابوجهل و عقبه و شیبه در بدر کشته شدند، ولی پیامبر ﷺ چنین چیزی نگفت؛ ۵. ذکری از عمرو بن عبدود در جنگ بدر و احد و غیر آن نیست و او تنها با قصه خندق، مشهور شده است؛ ۶. این داستان در صحاح سته و مثل آن نیامده است؛ در حالی که مبارزه حمزه و عبیده و علی ﷺ همراه عتبه و شیبه و ولید در این کتاب‌ها آمده است؛ ۷. سپاه دشمن پس از این حادثه، متفرق نشدند و همچنان مسلمانان در محاصره بودند؛ بنابراین چگونه این قتل، برتر از عبادت ثقلین است؟ (ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۰۹/۸-۱۰۷)

برخی دیگر نیز این جریان را رد کرده یا نقل نکرده‌اند. حضرمی که چند کرامت از پیامبر ﷺ را در خندق می‌نویسد (حضرمی، ۱۹۹۸: ۳۰۷)، هیچ اشاره‌ای به این مبارزه نمی‌کند. اصل این جریان و مشهور بودن عمرو در جنگ‌های قبل از خندق، در بخش‌های گذشته اثبات شد. بنابراین سخنان و دعاهای پیامبر ﷺ در این مبارزه نیز در منابع اهل سنت، بازتاب کمی داشته و در صحاح سته اصلاً نیامده است. در منابع تاریخی، کوتاه‌ترین دعای پیامبر ﷺ در حق امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است که فرمود: «خداوندا او را یاری کن». سخن پیامبر ﷺ مبنی بر «افضل بودن مبارزه امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر اعمال امت اسلام تا روز قیامت»، در سه منبع اهل سنت، حاکم نیشابوری، حسکانی و بغدادی منعکس شده که با واکنش تند ذهبی و ابن تیمیه مواجه شده است. سخن دیگر پیامبر ﷺ که فرمود: «ضربت علی، برتر از عبادت جن و انس است»، تنها در دو منبع قرن هشتمی کلامی اهل سنت (ایجی و تفتازانی) مطرح شده که آن هم با واکنش تند ابن تیمیه مواجه شده است. بیان دیگر پیامبر ﷺ که پس از این ما جنگ خواهیم کرد و آنان با ما نخواهند جنگید، تنها در شرح نهج البلاغه منعکس شده و در منابع معتبر اهل سنت همین روایت، در پایان جنگ احزاب دانسته شده است. برخلاف منابع اهل سنت، این دعاها و سخنان در منابع شیعه بازتاب خوبی داشته است.

۳. اشعار خواهر عمرو

ابن جوزی این اشعار را از آن مادر عمرو می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۷۰/۵) که گویا اشتباه کرده است؛ زیرا در دیگر منابع، به خواهر عمرو نسبت داده شده است و ابن جوزی نیز بدون سند و به نقل از علمای سیره روایت می‌کند.

۴. قتل نوفل

گفتیم که در بین مورخان اهل سنت، تنها طبری بر کشته شدن نوفل به دست امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ تصریح می‌کند و دیگران یا نقل نمی‌کنند چه کسی قاتل نوفل است یا زیبر را معرفی می‌کنند یا احتمال می‌دهند امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نوفل را کشته باشد. برخی با بیان اینکه احتمالاً علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و زیبر با هم او را کشته‌اند (مدخلی، ۱۴۲۴: ۲۳۶)، خواسته‌اند بین این دو

قول جمع کنند، در حالی که پذیرفته نیست؛ زیرا در یکی، زبیر در نبرد تن به تن او را کشته و در دیگری، نوفل پس از سقوط در خندق، به دست امام علی علیه السلام یا زبیر به قتل رسیده است. بنابر دیدگاه برخی دیگر، عده‌ای خواسته‌اند فضیلت امام علی علیه السلام را به دیگری نسبت دهند (عاملی، ۱۴۲۸: ۱۶۴/۱۱). بنابراین ممکن است گفته شود که برخی نیز توهم توطئه دارند؛ هرچند اگر کشته شدن نوفل به دست زبیر هم اثبات شود، از اهمیت کار امام علی علیه السلام کاسته نمی‌شود.

۵. پایان جنگ احزاب

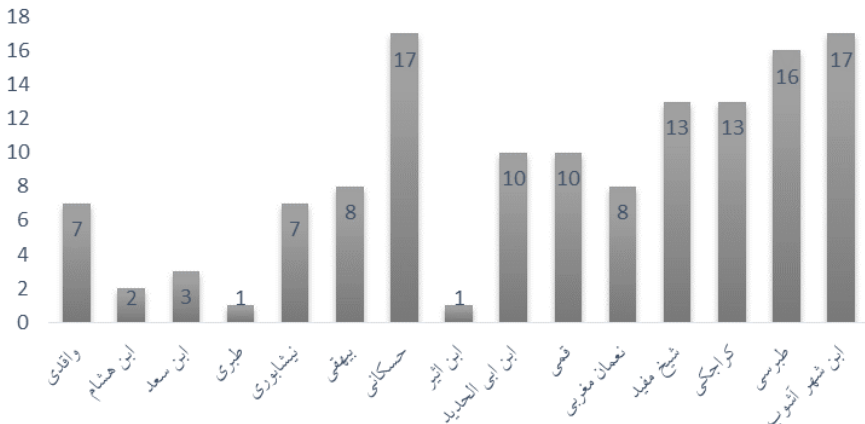
در اینکه کشته شدن عمرو بن عبدود پایان جنگ احزاب است یا خیر، بین علمای شیعه و سنی اختلاف است. گذشت که بنابر گزارش‌های عالمان شیعه، همین‌گونه است و کشته شدن عمرو، تاثیر بسزایی در پایان جنگ احزاب داشته است. در مقابل، تلاش اکثر قریب به اتفاق مورخان و محدثان اهل سنت بر آن است که این مبارزه را به عنوان یکی از دلایل شکست احزاب به حساب نیاورند و دلایل دیگر از جمله سرما و وزش شدید توفان (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۵۲/۲؛ بخاری، ۱۴۱۹: ح ۳۸۸۴؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۰۹/۸) را پررنگ کنند. بنابراین در اینکه قتل عمرو، یکی از دلایل شکست احزاب بود یا خیر نیز دو نوع نگاه وجود دارد: حسکانی، ابن‌ابی‌الحدید و عالمان شیعه بر این نکته تصریح می‌کنند که قتل عمرو یکی از دلایل مهم شکست احزاب بود. در مقابل، اکثر منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت، وزش باد و سرمای شدید را دلیل اصلی هزیمت مشرکان می‌دانند.

جدول انعکاس مبارزه امام علی (علیه السلام) با عمرو، بنابر منابع سنی و شیعه تا قرن هفتم

| ردیف | ریز موضوعات | واقعی (م ۲۰۷) | ابن هشام (م ۲۱۸) | ابن سعد (م ۳۳۰) | طبری (م ۳۱۰) | حاکم نیشابوری (م ۴۰۳) | بیهقی (م ۴۵۸) | حسکانی (م ۴۹۰) | ابن اثیر (م ۳۳۰) | ابن ابی الحدید (م ۶۵۶) | قمی (قرن ۳) | نعمان مغربی (م ۳۱۳) | منفید (م ۴۱۳) | کراجکی (م ۴۴۹) | طبرسی (م ۵۴۸) | شهر آشوب (م ۵۵۸) |
|------|---|---------------|------------------|-----------------|--------------|-----------------------|---------------|----------------|------------------|------------------------|-------------|---------------------|---------------|----------------|---------------|------------------|
| ۱ | مبارز طلبیدن عمرو | + | + | + | - | + | + | + | - | + | + | + | + | + | + | + |
| ۲ | درخواست پیامبر (ص) از صحابه برای رویارویی با عمرو | - | - | - | - | - | - | + | + | - | + | - | - | + | - | + |
| ۳ | ترس صحابه از رویارویی با عمرو | - | - | - | - | - | - | + | + | + | + | + | + | + | + | + |
| ۴ | اجابت نکردن هیچ کس جز امام علی (ع) | + | - | - | - | - | + | + | + | + | + | + | + | + | + | + |
| ۵ | اعلان آمادگی امام تا سه بار یا بیشتر | + | - | - | - | - | + | + | - | + | - | - | + | + | + | + |
| ۶ | پوشاندن زره بر تن امام علی (ع) توسط پیامبر (ص) | - | - | - | - | - | - | + | - | - | - | - | - | - | + | - |
| ۷ | اعطای شمشیر و بستن عمامه توسط پیامبر (ص) | + | - | + | - | - | - | + | - | + | + | + | + | + | + | + |
| ۸ | دعای پیامبر (ص): «خدا یا او را یاری کن» | + | - | + | - | - | - | - | - | + | - | - | - | - | + | + |
| ۹ | دعای پیامبر (ص): «اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ...» | - | - | - | - | - | - | + | - | - | + | + | - | - | - | - |
| ۱۰ | دعای پیامبر (ص): «اللهم إنك أخذت مني عبادة...» | - | - | - | - | - | - | - | - | + | - | - | - | + | - | - |
| ۱۱ | گفتگوی امام و عمرو (قبول اسلام، برگشتن، جنگیدن) | + | + | - | + | + | + | + | + | + | + | + | + | - | + | + |
| ۱۲ | اظهار تمایل عمرو برای مبارزه با ابوبکر و عمر | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| ۱۳ | اظهار تمایل عمرو برای مبارزه با یکی از عموهای حضرت | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - |
| ۱۴ | زخمی شدن امام علی (ع) از ناحیه سر | - | - | - | - | - | + | + | + | - | + | + | + | - | - | + |
| ۱۵ | قطع شدن پاهای عمرو به دست امام علی (ع) | - | - | - | - | - | + | + | + | - | - | - | - | - | + | + |

| | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|--|----|
| - | - | - | - | - | - | - | - | - | + | - | - | - | - | - | - | مبارزه امام علی <small>علیه السلام</small> با خواندن دعای تعلیمی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> | ۱۶ |
| + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | اهانت عمرو (انداختن آب دهان و سب مادر ایشان) | ۱۷ |
| - | - | + | + | - | - | - | - | + | + | + | - | - | - | - | - | بی‌اعتنائی امام علی <small>علیه السلام</small> به غنایم عمرو | ۱۸ |
| + | + | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | آگاهی مسلمانان از کشته شدن عمرو توسط جابر | ۱۹ |
| - | + | - | - | - | - | - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | آگاهی مسلمانان از کشته شدن عمرو توسط عمر | ۲۰ |
| + | - | + | - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | بریدن سر عمرو توسط امام علی <small>علیه السلام</small> و آوردن آن نزد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> | ۲۱ |
| + | + | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | بوسیدن سر امام علی <small>علیه السلام</small> توسط ابوبکر یا عمر یا هر دو | ۲۲ |
| + | + | + | - | - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | سخن پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> : «برز الإیمان کله إلى الشرك کله» یا شبیه آن | ۲۳ |
| + | + | + | - | - | - | - | - | + | - | + | - | - | - | - | - | سخن پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> مبنی بر برتری مبارزه امام علی <small>علیه السلام</small> بر اعمال امت اسلام | ۲۴ |
| - | + | - | + | - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | سخن پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> : «و لا یغزونا بعد الیوم و نحن نغزوهم» | ۲۵ |
| - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | مدح امام علی <small>علیه السلام</small> در ندایی آسمانی | ۲۶ |
| + | + | + | + | + | - | - | - | + | - | - | - | - | - | - | - | کشته شدن عمرو؛ یکی از دلایل شکست احزاب | ۲۷ |

نمودار میزان انعکاس مبارزه امام علی (ع) با عمرو



نتیجه

نتیجه این پژوهش که به مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود در منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری فریقین تا پایان قرن هفتم پرداخت، این است که این رخداد همراه با جزئیات، ابتدا بین مورخان و محدثان شیعه، سپس محدثان اهل سنت و در آخرین مرحله، بین مورخان اهل سنت بازتاب داشته است. در بین مورخان اهل سنت، واقدی ۷ مورد، ابن هشام ۲، ابن سعد ۳، طبری ۱ و ابن اثیر ۱ مورد گزارش کرده‌اند که بنابراین واقدی بیشترین جزئیات و طبری و ابن اثیر کمترین جزئیات را بیان کرده‌اند. در بین مورخان شیعه نیز نعمان مغربی ۸ مورد، شیخ مفید ۱۳، طبرسی ۱۶ و ابن شهر آشوب ۱۷ مورد را گزارش کرده‌اند که بنابراین نعمان مغربی کمترین و ابن شهر آشوب بیشترین جزئیات را از این واقعه تاریخی نقل کرده‌اند. این آمار از بین دیدگاه‌های عالمانی از اهل سنت به دست آمد که این جریان را نقل کرده‌اند. اما گروهی اصل این جریان را نقل نکرده‌اند و گروهی دیگر، آن را انکار کرده‌اند که جزء جامعه آماری نبودند. بنابراین، چهار نوع دیدگاه کلی در میان عالمان اهل سنت درباره این رویداد مهم تاریخی به دست می‌آید: ۱. بیان واقعه به همراه جزئیات؛ ۲. بیان مختصر واقعه؛ ۳. بیان نکردن اصل آن؛ ۴. انکار اصل واقعه.

پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از شجاعان معروف عرب که در جنگ‌های صدر اسلام علیه مسلمانان جنگید و سرانجام در جنگ خندق کشته شد.
۲. خونخواهی همزمانش که در جنگ‌های قبلی پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شده بودند.
۳. اللَّهُمَّ أَعْنُهُ عَلَيْهِ؛ (واقدی، ۱۴۰۹: ۲/۴۷۰).
۴. اللَّهُمَّ بَكَ أَصُولٌ وَ بَكَ أُجُولٌ وَ بَكَ أَدْرَأُ فِی نَحْرِهِ.
۵. جعلت فداک یا رسول الله! أتأذن لی؟
۶. اللهم إنک أخذت منی عبیدة بن الحرث یوم بدر و حمزة بن عبدالمطلب یوم احد و هذا أخی علی بن أبی طالب؛ رَبِّ لَا تَدْرِنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَرِثِیْنَ.
۷. برز الإیمان کلّه إلی الشّرک کلّه.
۸. لمبارزة علی بن أبی طالب لعمر و بن عبدود یوم الخندق أفضل من أعمال امتی إلی یوم القیامة.
۹. لضربة علی خیر من عبادة الثقلین.

١٠. ذهبت ريحهم ولا يغزونا بعد اليوم و نحن نغزوهم إن شاء الله.
١١. نغزوهم و لا يغزونا.
١٢. الآن نغزوهم و لا يغزونا نحن نسير اليهم.
١٣. «وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ».
١٤. «وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بَعْلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ».
١٥. «هَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ» (بقره: ٢٥١).
١٦. «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ».
١٧. الحمد لله الذي اظهر الاسلام و قمع الشرك.
١٨. أنا على و ابن عبدالمطلب، الموت خير للفتى من الهرب.
١٩. إِنَّهَا مَشِيَّةٌ لَّا يَمُقُّهَا اللَّهُ فِي هَذَا الْمَقَامِ.
٢٠. اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ - وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ.
٢١. اللهم إنك أخذت منى عبدة بن الحرث يوم بدر و حمزة بن عبدالمطلب يوم احد و هذا أخى على بن أبى طالب؛ رَبِّ لَّا تَدْرِنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَرِثِينَ.
٢٢. برز الإيمان كله إلى الشرك كله.
٢٣. أَبَشِّرْ يَا عَلِيُّ فَلَوْ وُزِنَ الْيَوْمَ عَمَلُكَ بِعَمَلِ جَمِيعِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ لَرَجَحَ عَمَلُكَ عَلَيَّ عَمَلِهِمْ.
٢٤. لضربة على خير من عبادة الثقلين.
٢٥. لمبارزة على بن أبى طالب لعمر بن عبدود يوم الخندق أفضل من أعمال أمتى إلى يوم القيامة.
٢٦. قبح الله رافضيا افتراه.

منابع

قرآن كريم.

ابن ابى الحديد (١٤١٤). شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: كتابخانه آية الله مرعشى.

ابن اثير (١٤١٥). الكامل فى التاريخ، تحقيق عبدالله قاضى، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ دوم.

ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم (١٤٠٦). منهاج السنه، تحقيق محمد رشاد سالم، بى جا: بى نا.

ابن جوزي (١٤١٢). المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه.

مطالعه تطبیقی مبارزه امام علی (علیه السلام) با عمرو بن عبدود / ۱۰۳

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، محقق محمد حسین جلالی، قم: جامعه مدرسین.

ابن سعد، محمد بن سعید (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول

ابن شهر آشوب (۱۳۷۹). مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم: علامه.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۹). الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم: خیام.

ابن کثیر (بی تا). البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف.

ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۱۱). مختصر استدراک الذهبی علی مستدرک الحاکم، تحقیق عبدالله بن حمد اللحیدان، ریاض: دارالعاصمة، چاپ اول

ابن هشام (بی تا). السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه.

ایچی، عضدالدین (۱۴۱۷). المواقف، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت: دارالجمیل، چاپ اول
بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۹). صحیح البخاری، اعتنی به ابو صهب الکرمی، ریاض: بیت الافکار الدولیه.

بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول

بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵). دلائل النبوة، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول

تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۱). شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان: دارالمعارف النعمانیة، چاپ اول

حاکم حسکانی (۱۴۳۱). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق محمدباقر محمودی، بیروت: موسسه الاعلمی.

حاکم نیشابوری (۱۴۱۱). المستدرک علی الصحیحین مع تعلیقات الذهبی فی التلخیص، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول

حضرمی، محمد بن عمر (۱۹۹۸). حدائق الأنوار و مطالع الأسرار فی سیره النبی المختار، تحقیق محمد غسان نصح عزقول، بیروت: دارالحاوی.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا). تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیة.

ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۷). تاریخ الإسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول

طبرسی (۱۳۷۲). مجمع البیان، مصحح فضل‌الله یزدی، تهران: ناصر خسرو.

طبرسی (۱۴۱۷). اعلام الوری، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۸). الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قم: دارالحدیث.

عسکری، ابوهلال (۱۴۰۸). الاوائل، طنطا: دارالبشیر.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، محقق طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتب.

کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنز الفوائد، حققه عبدالله نعمیه، قم: دارالذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی، محقق محمدحسین درایتی، قم: دارالحدیث.

مدخلی، ابراهیم (۱۴۲۴). مرویات غزوه الخندق، مدینه: الجامعة الاسلامیة.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

مقدسی، مطهر بن طاهر (بی‌تا). البدء و التاریخ، بورسعید، مکتبة الثقافة الدینیة.

مولوی (۱۳۷۴). مثنوی معنوی، تحقیق رینود نیکاسن، تهران: انتشارات علمی، چاپ ششم.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹). المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ سوم.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵). کتاب سلیم بن قیس، قم: بی‌نا.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۴۱۴). تاریخ الیعقوبی، قم: الشریف الرضی.